

#### گزارش

محمد رضوانی

روزنامه نگار

ناترازی انرژی این روزها در شرایطی گریبان کشور را گرفته که بسیاری از کارشناسان بخش قابل توجهی از این معضل را بی‌ربط به هدررفت انرژی مربوط به تجهیزات نمی‌دانند. این درحالی است که آژانس بین‌المللی انرژی چنین پیش‌بینی کرده که دنیای انرژی بر اساس سیاست‌ها و تنظیمات امروزی تا سال ۲۰۳۰ به‌طور چشمگیری تغییر خواهد کرد.

طبق اعلام آژانس بین‌المللی انرژی، چشم‌انداز انرژی جهانی نشان می‌دهد که تقریباً ده‌برابر تعداد خودروهای برقی بیشتری تا سال ۲۰۲۰ به جاده‌ها رانده خواهند شد و انرژی‌های تجدیدپذیر نزدیک به نیمی از ترکیب قدرت جهانی را در اختیار می‌گیرند. طبق چشم‌انداز این آژانس در سال ۲۰۲۳، تغییرات عمده‌ای که امروزه در حال انجام است، تا پایان این دهه منجر به یک سیستم انرژی جهانی متفاوت خواهد شد.افزایش خارق‌العاده فناوری‌های انرژی پاک مانند خورشیدی، بادی، خودروهای الکتریکی و پمپ‌های حرارتی در حال تغییر شکل دادن به نحوه تأمین انرژی ما هستند؛ از کارخانه‌ها و وسایل نقلیه گرفته تا لوازم خانگی و سیستم‌های گرمایشی.

#### گام جهان به سمت انرژی‌های پاک

این چشم‌انداز اذعان دارد که فناوری‌های پاک نقش قابل توجهی نسبت به امروز خواهند داشت. سهم انرژی‌های تجدیدپذیر از ترکیب برق جهانی از حدود ۳۰ درصد امروزی به نزدیک به ۵۰ درصد خواهد رسید. پمپ‌های حرارتی و سایر سیستم‌های گرمایش الکتریکی بیش از سیستم‌های سوخت فسیلی در سطح جهان به فروش خواهند رسید و سه برابر سرمایه‌گذاری بیشتری در پروژه‌های بادی جدید نسبت به نیروگاه‌های جدید زغال‌سنگ و گاز انجام خواهد شد. همه این افزایش‌ها تنها بر اساس سیاست‌های فعلی دولت‌ها در سراسر جهان است. این در حالی است که اگر کشورها به وعده‌های انرژی و آب‌وهوای ملی خود، به موقع و کامل عمل کنند، پیشرفت انرژی پاک حتی سریع‌تر خواهد بود. با این حال، برای زنده نگهداشتن هدف محدود کردن گرمایش زمین تا ۱.۵ درجه سانتی‌گراد تا سال ۲۰۳۰، اقدامات بیشتری مورد نیاز است. بر اساس خط‌مشی امروزی، سهم سوخت‌های فسیلی در عرضه انرژی جهانی که برای دهه‌ها در حدود ۸۰ درصد باقی مانده، تا سال ۲۰۳۰ به ۷۳ درصد کاهش می‌یابد و انتشار جهانی دی‌اکسید کربن مرتبط با انرژی نیز تا سال ۲۰۲۵ به اوج خود می‌رسد. فاتح بیرویل، مدیر اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید: «گذار به انرژی پاک در سراسر جهان در حال وقوع و غیرقابل توقف است. مسئله «اگر» نیست، بلکه ناگزیر رخ می‌دهد و باید پرسید «چه زمانی؟». هرچه زودتر، برای همه ما بهتر است. دولت‌ها، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران باید به جای جلوگیری از انتقال به انرژی پاک، آن را پشت سر بگذارند. در این موضوع مزایای زیادی از جمله فرصت‌ها و مشاغل صنعتی جدید، امنیت انرژی بیشتر، هوای پاک‌تر، دسترسی جهانی به انرژی و آب و هوای امن‌تر برای همه وجود دارد.» با وجود تلاش‌ها برای رسیدن به هدف توافق‌نامه پاریس «به منظور محدود کردن افزایش متوسط دمای جهانی به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد، تقاضا برای سوخت‌های فسیلی همچنان بسیار بالاست. این خطر نه‌تنها باعث بدترشدن آب‌وهوا پس از

#### پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی:

# تجدیدپذیر هانیمی از بازار را در اختیار می گیرند



است تا سال ۲۰۳۰ به نصف آن کاهش یابد.

همچنین چین که تأثیر زیادی بر روند‌های جهانی انرژی دارد، با کند شدن روند رشد اقتصادی خود، دستخوش تغییرات ساختاری بزرگی شده است. طبق گزارش‌ها، تقاضای کل انرژی چین در اواسط این دهه به اوج خود می‌رسد و ادامه‌رشد پویای انرژی پاک، تقاضای سوخت فسیلی و انتشار گازهای گلخانه‌ای در این کشور را کاهش می‌دهد.

پیش‌بینی می‌شود که انرژی‌های تجدیدپذیر تا سال ۲۰۳۰ حدود ۸۰ درصد از ظرفیت تولید برق جدید را بر اساس سیاست‌های فعلی تأمین کنند که انرژی خورشیدی بیش از نیمی از این توسعه را تشکیل می‌دهد. طبق تحلیل آژانس بین‌المللی انرژی، این سناریو تنها کسری از پتانسیل نیروی خورشیدی را در نظر می‌گیرد.

طبق برآوردها جهان باید تا پایان این دهه ظرفیت تولید بیش از ۱۲۰۰ گیگاوات برق از صفحات خورشیدی در هر سال داشته باشد اما به نظر می‌رسد که در سال ۲۰۳۰ تنها ۵۰۰ گیگاوات تولید کند. اگر جهان تا پایان این دهه به ۸۰۰ گیگاوات ظرفیت جدید خورشیدی برسد، به کاهش ۲۰ درصدی تولید برق با سوخت زغال‌سنگ در چین در سال ۲۰۳۰ منجر خواهد شد.

همچنین تا سال ۲۰۳۰، تولید برق از زغال‌سنگ و گاز طبیعی در سراسر آمریکای لاتین، آفریقا، آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه یک‌چهارم کمتر خواهد بود.

از طرفی، همه اشکال خودروهای الکتریکی می‌توانند به بهبود مصرف سوخت، کاهش هزینه سوخت و کاهش آلاینده‌ها کمک کنند. استفاده از وسایل نقلیه کارآمدتر از لحاظ مصرف انرژی مانند خودروهای هیبریدی و الکتریکی از اقتصاد هر کشوری حمایت می‌کند.

خودروهای الکتریکی هیبریدی معمولاً از سوخت کمتری نسبت به خودروهای معمولی مشابه استفاده می‌کنند. از طرفی، وسایل نقلیه الکتریکی از برق استفاده می‌کنند که برای تولید آن از گاز طبیعی، زغال‌سنگ، انرژی هسته‌ای، انرژی باد، انرژی برقی و انرژی خورشیدی استفاده می‌شود. در نتیجه، خودروهای برقی به دلیل کارایی بالای اجزای محرک الکتریکی می‌توانند هزینه سوخت را به‌طور محسوسی کاهش دهند.

#### دومینوی قطعی برق و گاز واحدهای تولیدی ادامه دارد

## ناترازی انرژی و دیوار کوتاه صنایع

سال آینده به ۲۰ هزار مگاوات می‌رسد که به نظر من منتظر بیش از ۲۴ هزار مگاوات ناترازی باشید.» او در خصوص ساخت نیروگاه توسط صنایع افزود: «باید به این موضوع توجه کنید که نیروگاه نیازمند گاز است. وضعیت فعلی فولاد مبارک را که نیروگاه دارد در نظر بگیرید؛ اگر تولید فولاد مبارک متوقف شود، به تبع آن فعالیت ۱۳ زیرسازه هم متوقف می‌شود.» سیدجواد حسینی کیا، نایب‌رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی اما روایت دیگری داشته و با اشاره به صحبت‌های وزیر نیرو، یادآور شد: «وزیر نیرو می‌گوید آن قدر نیروگاه داریم که می‌توانیم برق عراق را هم تأمین کنیم، منتها مسئله اصلی انرژی مورد نیاز خود نیروگاه‌هاست.» او ادامه داد: «بسته حمایتی وزارت صمت یعنی مسکن موتقی، بیش از سه ماه است که در جریان است و هنوز به نتیجه نرسیده است. بر اساس این طرح حمایت‌هایی در خصوص قبوض انرژی، بیمه تأمین اجتماعی، مالیات و بازپرداخت وام بانک‌ها انجام خواهد شد تا صنایع کمتر متضرر شوند.»

#### صدای وزیر صمت هم درآمد

اگرچه بسته حمایتی به داد صنعتگران نرسیده و همچنان خطر قطع گاز آن‌ها را تهدید می‌کند اما وزیر صمت اخیراً به این رویه اعتراض کرده و در دفاع از وضعیت صنعت گام‌هایی هرچند حداقلی برداشته است. سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت (صمت)، تأمین برق و گاز برای صنعت و تولید را اولویت اصلی کشور دانست و هشدار داد که اگر تولید با وقفه مواجه شود، اشتغال از بین خواهد رفت و مشکلات اجتماعی ناشی از آن معیشت خانوارها را تهدید خواهد کرد. او در عین حال به کاهش مجدد گاز و برقی‌تحویلی به صنایع اعتراض کرد و به کمیسیون

## اقتصاد



atiyeno.ir

وحید شفاقی

کارشناس اقتصادی

#### حذف ارز چندنرخی و چند نکته

واقعیت‌های اقتصادی و تعدیل نظام چندنرخی ارز، سیاست‌گذار ارزی و دولت شرایط را به سمتی هدایت کرده‌اند که باید الزامات اساسی از جمله حکمرانی ریال، کنترل حساب سرمایه تجاری، مدیریت منابع

ارزی و مبارزه با قاچاق رعایت و اعمال شود. دولت‌های گذشته، یک نظام چندنرخی ارز را به دلیل تحریم‌های اقتصادی در کشور اعمال کردند. ایراد کار در آن بود که نظام چندنرخی ارز الزاماتی دارد که متأسفانه در هیچ کدام از دولت‌های گذشته رعایت نشد و نظام مذکور بدون الزامات مورد اشاره فاجعه به بار آورد که باعث ایجاد و توزیع رانت بزرگ ارزی، تشدید خروج سرمایه از کشور، افزایش کسری‌های تجاری غیرنفتی و همچنین حیف و میل شدن منابع ارزی در کشور شد. خوشبختانه، دولت چهاردهم زمانی که روی کار آمد، بر این موضوع واقف بود که نظام چندنرخی ارز فاجعه‌آفرین است. بنابراین تلاش کرد تا عملاً ارز نیمایی را کنار گذاشته و یک نرخ نزدیک به نرخ بازار آزاد و تعدیل شده را اعمال کند.

با وجود این همچنان الزامات نظام چندنرخی رعایت نمی‌شود. برای مثال، نرخ بازار آزاد هنوز پذیرفته نشده و با عناوینی از جمعه بازار غیررسمی و غیرواقعی آن را می‌شناسند. موضوع دیگر اینکه فاصله میان نرخ ارز توافقی و بازار آزاد همچنان زیاد است؛ به عبارتی چالش فاصله زیاد میان ارز نیمایی و بازار آزاد یا غیررسمی در ساختار بازار جدید هم وجود دارد.

در نظام چندنرخی ارز باید حکمرانی و مدیریت ریال به‌صورت واقعی محقق شود. در واقع اگر موضوع و مسئله حکمرانی ریال پذیرفته نشود، نمی‌توان چالش‌های نظام چندنرخی ارز را مدیریت کرد. موضوع دیگر بحث کنترل حساب سرمایه است. در کشوری که احتمال تشدید تحریم‌های اقتصادی وجود دارد و نظام چندنرخی ارز، اعمال می‌شود، بدون کنترل حساب سرمایه، یک راه‌شدگی رخ می‌دهد.

موضوع دیگر، بحث مدیریت و نظارت بر منابع ارزی کشور است که اهمیت بالایی دارد. همچنین بحث کنترل و مهار واردات زبردستی در اقتصاد است. در اقتصادی که نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار قاچاق در آن صورت می‌گیرد، بدون مهار مسئله قاچاق و نظارت سنگین بر آن، امکان کنترل بازار به هیچ وجه وجود نخواهد داشت.

مسئله دیگر، بحث کاهش کسری‌های تجاری غیرنفتی است که از دو بعد مدیریت و سامان‌دهی واردات رسمی و توسعه صادرات غیرنفتی خود را نشان می‌دهد. امروز شرایط تحریمی به‌نحوی است که ما ناچاریم هم در حوزه واردات و هم در حوزه صادرات مدیریت‌های هوشمندی اعمال کنیم تا بتوانیم کسری‌های تجاری را کنترل کنیم.

موضوع نظارت بر توزیع کالا در بازار، یکی دیگر از این الزامات است. به‌نحوی که از مرحله واردات تا مرحله عمده‌فروشی و در نهایت خرده‌فروشی باید یک نظارت کامل بر بازار وجود داشته باشد. وقتی شرایط تحریمی در اقتصاد و احتمال تشدید تحریم‌های نفتی وجود دارد، ما باید نظام چندنرخی را با الزامات اصلی آن بپذیریم. همان‌طور که گفته شد در دولت‌های گذشته این الزامات رعایت نشد و در نهایت نظام چندنرخی نتیجه مطلوبی به همراه نداشت.

بر این اساس، به دولت چهاردهم پیشنهاد می‌شود که یا این الزامات اساسی را اجرایی کند یا دیگر بار شاهد مشکلات و چالش‌های اقتصادی خواهیم بود، به‌طوری که این بار چالش موجود، فاصله میان بازار آزاد و نرخ ارز توافقی خواهد بود. همچنین باید تأکید کرد که در شرایط تحریمی، امکان تک‌نرخی شدن محض به هیچ وجه وجود ندارد. از نگاه اقتصادی، در شرایط تحریم اقتصادی یکسان‌سازی محض نرخ ارز انجام نمی‌شود و اگر در این شرایط، هدف یکسان‌سازی کامل نرخ ارز باشد، به‌نظر می‌رسد که درک درست از واقعیت‌های اقتصادی وجود ندارد. بنابراین، نباید تصمیماتی اتخاذ شود که با واقعیت‌ها هم‌خوانی نداشته باشد. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط واقعی اقتصاد کشور، باید یک سیاست دو نرخی در پیش گرفته شود. بنابراین، اگر این الزامات پذیرفته نشود بی‌شک مسئله و چالش‌های مربوط به سیاست‌گذاری ارزی حل نخواهد شد.

